

واژه‌بست در گویش تنگستانی

زهرا باباسالاری^۱

دانشگاه پیام نور

حیدر یزدان‌شناس^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

محمدحسین شرف‌زاده^۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

سعید یزدانی^۴

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

چکیده

واژه‌بست‌ها واحدهایی زبانی هستند که برخی از ویژگی‌های واژه و برخی از ویژگی‌های تکواژهای وابسته را در خود دارند، از این‌رو مطالعه آنها به دو حوزه نحو و صرف مرتبط می‌شود. زبان‌شناسان، برای تمایز واژه‌بست‌ها از دیگر واحدهای زبانی، پارامترهایی معرفی کرده‌اند که می‌تواند پایه و اساس شناسایی واژه‌بست‌ها در زبان‌ها و گویش‌ها باشد. بر این اساس، به دلیل اهمیت واژه‌بست‌ها و نیز اهمیت حفظ و مطالعه گویش‌ها، در این پژوهش تلاش شد تا واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی و برپایه پارامترهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) شناسایی شوند. گویش تنگستانی یکی از گویش‌های ایرانی دسته غربی، گروه گویش‌های جنوب غربی رایج در استان فارس است. داده‌های این پژوهش کیفی - توصیفی از طریق گفتگو با افراد سالخورده روستای جمالی، یکی از روستاهای شهرستان تنگستان در استان بوشهر جمع‌آوری شده است. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌ها نشان می‌دهد که گویش تنگستانی دارای ۸ واژه‌بست است که عبارت‌اند از: پی‌بست‌های ضمیری، کسره اضافه، یای نکره، یای تخصیص نکره، پی‌بست

-
1. babasalari.z@gmail.com
 2. heyazdanshenas@yahoo.com
 3. h.sharafzadeh@gmail.com
 4. saya134074@yahoo.com

معرفه‌ساز (که به صورت‌های /u=ku/، /u=ku/ و /oku= نمود می‌یابد)، /o= مخفف «ؤ» /vo/ همپایگی، /a= مخفف «ها» تأکید، و /...=am,=i,=... معادل «هستم، هستی و...». همچنین نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه گویش تنگستانی یک گویش ارگتیو است، پی‌بست‌های ضمیری آن با کارکردهای مختلفی چون فاعل، مفعول صریح، مفعول غیرصریح و ملکی ظاهر می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: گویش تنگستانی، تکواژ وابسته، واژه‌بست، واژه‌بست‌های ضمیری، واژه‌بست‌های غیرضمیری.

۱- مقدمه

امروزه، یکی از مباحث مهم حوزه زبان‌شناسی، مطالعه و بررسی علمی و تخصصی «گویش»ها است. به دلیل تعدد گویش‌ها، گستردگی مباحث زبان‌شناختی هر گویش و نیز وجود حوزه‌ها، رویکردها و نظریات زیاد زبان‌شناختی، بررسی‌ها و مطالعات وسیع این‌چنینی را برای پژوهشگران ممکن نمی‌سازد. از این‌رو، پژوهش حاضر، تنها به بررسی واژه‌بست^۱ در گویش تنگستانی^۲ با رویکرد رده‌شناختی می‌پردازد.

مطالعات نشان می‌دهد، تقریباً در تمام زبان‌های دنیا می‌توان واحدهایی را یافت که حد وسط و بینابین تکواژهای آزاد و وابسته باشند و در حقیقت، این تفکر و اعتقاد سنتی زیر سؤال می‌رود؛ زیرا واحدهای زبانی‌ای وجود دارد که هم بعضی از خصوصیات واژه را دارند و هم دارای بعضی خصوصیات تکواژهای وابسته هستند که زبان‌شناسان این واحدهای بینابینی را «واژه‌بست» می‌نامند. از این‌رو، مطالعات مربوط به واژه‌بست‌ها هم به صرف و هم به نحو مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر، در مطالعهٔ واژه‌بست‌ها، علاوه بر استفاده از نظریات صرفی، باید نظریات نحوی را نیز مد نظر قرار داد.

۲- مبانی نظری پژوهش

در طی سال‌های اخیر، برای طبقه‌بندی عناصر گوناگونی که واژه‌بست محسوب شده‌اند، تلاش‌هایی صورت گرفته است. یکی از قدیمی‌ترین پژوهش‌هایی که در آن در زمینهٔ واژه‌بست

1. clitic
2. Tangestani dialect

نیز بحث شده است مربوط به واکرناگل^۱ (۱۸۹۲)، «تحقیق در زبان‌های هند و ژرمانی»، است. در این اثر، وی اعلام کرد در این زبان‌ها واژه‌بست که در جایگاه دوم جمله و بعد از یک عنصر تکیه‌دار می‌آید. از دیگر کارها، می‌توان به طبقه‌بندی‌های زوئیکی^۲ (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵)، کلاونس^۳ (۱۹۸۲، ۱۹۸۵)، و زوئیکی و پولوم^۴ (۱۹۸۳) اشاره کرد (شقاقی، ۱۳۷۴: ۴). به‌عنوان نمونه، زوئیکی و پولوم (۸۳^{۱۹}) برای تشخیص واژه‌بست‌ها از وندهای تصریفی شش معیار ارائه می‌دهند که عبارت‌اند از: (۱) واژه‌بست‌ها در ارتباط با واژه‌های میزبان قدرت انتخاب بسیار بیشتری دارند؛ (۲) خلأ اتفاقی بیشتر از خصوصیات واژه‌های دارای وند است تا گروه‌های واژه‌بستی؛ (۳) ویژگی‌های منحصربه‌فرد صرفی، بیشتر از خصوصیات واژه‌های دارای وند است تا گروه‌های واژه‌بستی؛ (۴) ویژگی‌های منحصربه‌فرد معنایی، بیشتر از خصوصیات واژه‌های دارای وند است تا گروه‌های واژه‌بستی؛ (۵) قواعد نحوی می‌توانند بر واژه‌های دارای وند تأثیر داشته باشند، اما نمی‌توانند بر گروه‌های واژه‌بستی تأثیر داشته باشند؛ و (۶) واژه‌بست‌ها می‌توانند به واژه‌هایی اضافه شوند که دارای واژه‌بست هستند، اما وندهای تصریفی نمی‌توانند.

یکی دیگر از بررسی‌های جدیدتر در این زمینه، مربوط به آیخن‌والد^۵ (۲۰۰۳) است. وی، در حوزه رده‌شناسی زبان، پانزده معیار را معرفی می‌کند که به ادعای او، براساس آنها می‌توان تقریباً واژه‌بست‌های همه زبان‌ها را از میان تکواژهای وابسته تشخیص داد. این معیارها عبارت‌اند از: ۱- جهتی که واژه‌بست‌ها به واژه‌های میزبان^۶ اضافه می‌شوند (پیش‌بست‌ها به آغاز واژه میزبان و پی‌بست‌ها به پایان آن اضافه می‌شوند)؛ ۲- واژه‌بست‌ها به همه واحدهای زبانی چون واژه، گروه و جمله می‌توانند اضافه شوند، ولی وندها به واژه میزبان خاصی اضافه می‌شوند؛ ۳- واژه‌بست‌ها به آخرین کلمه یک گروه اسمی یا هر اسمی اضافه می‌شوند، ولی وندها عمدتاً به اولین کلمه یک گروه اسمی اضافه می‌شوند؛ ۴- واژه‌بست‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان واحد واژه واجی^۷ به‌کار برده شوند، حال آنکه وندها می‌توانند به‌عنوان یک واحد واژه واجی به‌کار گرفته شوند؛ ۵- خصوصیات واج‌آرایی و زنجیری: به این نحو که واژه‌بست‌ها همچون بسیاری از

1. J. Wakernagel
 2. A. Zwicky
 3. J. L. Klavans
 4. G. Pollum
 5. A. Aikhenwaled
 6. host
 7. phonological word

وندها تک واج هستند، ولی برخلاف واژه‌ها و وندها، در فرآیند گفتاری، تکیه‌بر نیستند؛ ۶- انسجام واجی، یعنی فرآیندهایی که بر یک واژه‌بست اعمال می‌شوند (فرآیند واجی بر روی واژه‌بست‌ها عمدتاً در مرز واژه‌بست‌ها و واژه‌بست رخ می‌دهند)؛ ۷- رابطه واژه‌بست‌ها با مکث (در مرز میزبان-واژه‌بست نمی‌توان مکث کرد)؛ ۸- ترکیب واژه‌بست‌ها و وضعیت واژه‌هایی که دارای واژه‌بست هستند (واژه‌بست‌ها می‌توانند بر کلماتی که دارای واژه‌بست هستند، اضافه شوند و حال آنکه وندها نمی‌توانند به کلماتی که واژه‌بست دارند، اضافه شوند)؛ ۹- نحوه قرار گرفتن واژه‌بست‌ها در زنجیره واژه‌بستی؛ ۱۰- جایگاه آنها در رابطه با آنچه که به‌عنوان وند تعریف می‌شود (واژه‌بست‌ها عمدتاً خارج یا بعد از همه وندها افزوده می‌شوند)؛ ۱۱- ارتباط واژه‌بست‌ها با واژه‌های دستوری (واژه‌بست‌ها با واژه‌های مختلفی که به طبقات دستوری مختلف متعلق هستند، به‌کار برده می‌شوند)؛ ۱۲- میدان عمل نحوی واژه‌بست‌ها (واژه‌بست‌ها فقط به حوزه واژه اضافه نمی‌شوند، بلکه می‌توان آنها را برخلاف وندها به گروه یا جمله اضافه کرد)؛ ۱۳- احتمال واژگانی‌شدن و دارای خصوصیات منحصربه‌فرد معنایی و صرفی شدن (معناهای غیرقابل پیش‌بینی و بی‌قاعده بیشتر مشخصه کلماتی است که وند به آنها متصل می‌شود و نه کلماتی که واژه‌بست‌ها بدان می‌چسبند)؛ ۱۴- قواعد نحوی ویژه واژه‌بست‌ها (قواعد نحوی از قبیل حرکت و حذف به قرینه، بر ترکیب «واژه+واژه‌بست» مانند «واژه+واژه» عمل می‌کنند، یعنی واژه‌بست یک عنصر نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌شود)؛ و ۱۵- رابطه واژه‌بست‌ها با طبقات واژگانی (واژه‌بست تمامی طبقات واژگانی چون اسم، صفت، فعل و... را به‌عنوان میزبان خود می‌پذیرد).

در ادامه، به برخی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه در زبان فارسی، اشاره می‌شود:

شقاقی (۱۳۷۴: ۱۴۲-۱۴۱) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «واژه‌بست چیست؟، آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟»، این چنین بیان می‌دارد که در چارچوب دستور زایشی، فرض بر این است که حوزه‌های مختلف دستور (واژگانی، واجی، معنایی و نحوی) جدا و مستقل از یکدیگرند و می‌توان قواعد هر حوزه را بدون اشاره به حوزه‌های دیگر بیان کرد. دستوریان زایشی در مطالعات خود به عناصری برخوردده‌اند که از اصل جدایی این حوزه‌ها تخطی می‌کنند. این عناصر مشکل‌آفرین را زبان‌شناسان «واژه‌بست» نامیده‌اند.

وی (همان)، همچنین، عنوان می‌کند تکواژهای وابستهٔ زبان را می‌توان بر مبنای معیارهای زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳)، به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کرد. او در ادامه می‌گوید: «واژه‌بست‌های ساده» از نظر توزیع مانند گونهٔ کامل خود هستند و ارتباط معنایی و آوایی آنها، با گونهٔ کامل خود روشن و شفاف است. پی‌بستِ /o/= کوتاه‌شدهٔ تکواژ «را» است. تکواژ «را» در محاوره /o/ تلفظ می‌شود و در صورتی که پس از واژهٔ مختوم به صامت بیاید، کوتاه و به صورتِ /o/ تلفظ می‌شود. همهٔ واژه‌بست‌هایی که ساده نیستند، واژه‌بستِ ویژه به‌شمار می‌آیند. «واژه‌بستِ ویژه» یا فقط به صورتِ واژه وجود دارد، یعنی صورت کامل و غیروابسته‌ای ندارد، مانند «کسرهٔ اضافه» و یا توزیع صورتِ وابسته منطبق بر صورتِ کامل نیست، مانند /am/، /i/، ... که معادل «هستم، هستی، ...» است.

واحدی‌لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۴)، به تفصیل، به بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری پرداخته‌اند که در حقیقت یکی از نمودهای واژه‌بست است. آنان با معرفی ضمائر شخصی در گویش دلواری، به ضمائر آزاد و پی‌بست‌های ضمیری اعتقاد دارند که در هر دو شکل می‌توانند به‌عنوان فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و ضمیر ملکی در جمله ظاهر شوند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹)، با آوردن دو نوع مثال ۱- خوشم آمد، لجش گرفت، دردش آمد و...؛ و ۲- علی را دیدمش، من می‌زمنت، کتاب را خواندمش و... معتقد است در مثال‌های اول، واژه‌بست ضمیری به‌عنوان مطابقهٔ فاعل نقش ایفا کرده است؛ حال آنکه در مثال‌های دوم، ضمیر همان مفعول مستقیم جمله است که دو بار آمده است و به‌عبارتی، به‌صورت مضاعف به‌کار می‌رود. در مضاعف‌سازی، واژه‌بست به‌همراه گروه اسمی هم‌مرجع با خود به‌کار می‌رود.

شریفی (۱۳۹۰) به نکات جالب توجه صرفی گویش کاخکی اشاره می‌کند. وی اضافه‌شدن ضمائر شخصی واژه‌بستی فاعلی به ضمائر شخصی مستقل و ضمائر شخصی واژه‌بستی با نقش‌های متفاوت را از ویژگی‌های منحصر به فرد گویش مذکور برمی‌شمرد.

این پژوهش، به بررسی و مطالعه واژه‌بست‌های گویش تنگستانی پرداخته است. این گویش توسط مردم شهرستان تنگستان صحبت می‌شود. شهرستان تنگستان یکی از شهرستان‌های استان بوشهر در جنوب شرقی مرکز استان واقع شده است. گویش‌های استان بوشهر به دسته‌های شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند که تنگستانی در دستهٔ گویش‌های جنوب

غربی قرار می‌گیرد (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۹۲). به دلیل گستردگی حوزه‌های زبانی و عدم امکان بررسی همه آنها، در این پژوهش تلاش می‌شود تا واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی، بر اساس معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳)، شناسایی و بررسی شوند. برای نیل به این هدف، این پرسش مطرح می‌شود که چه عناصری در گویش تنگستانی واژه‌بست بوده و توزیع و کارکرد آن‌ها چگونه است؟

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی-توصیفی است و روش گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده این پژوهش برگرفته از گویش تنگستانی و حاصل گفت‌وگو با افراد سالخورده روستای جمالی^۱، از توابع شهرستان تنگستان است. این روستا که در پنج کیلومتری شمال مرکز شهرستان تنگستان و پنجاه کیلومتری شمال شرقی مرکز استان بوشهر قرار دارد، ۱۲۰ نفر جمعیت دارد. تعداد مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، ۱۴ نفر بودند که ۵ نفر آن‌ها بی‌سواد و بقیه آن‌ها در سطح خواندن و نوشتن سواد داشتند و سن آن‌ها بین ۵۰ الی ۹۰ سال بوده است. ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۶ نفر آن‌ها زن بودند. هر یک از مصاحبه‌شوندگان، به‌طور میانگین، به مدت ۴ ساعت و در بازه زمانی ۹ ماهه مورد مصاحبه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که یکی از نویسندگان این پژوهش، خود گویشور این گویش است و برای دقیق‌تر شدن کار، این مصاحبه‌ها انجام شد.

نکته قابل توجه درباره افراد این روستا این است که ساکنان این روستا هنوز گویش تنگستانی را به خوبی صحبت می‌کنند و رسانه‌های گروهی چون صدا و سیما و... نتوانسته‌اند تأثیر به‌سزایی در گویش آنان ایجاد کنند؛ از این‌رو، این روستا برای مطالعه و بررسی واژه‌بست‌ها انتخاب شده است. برای نیل به این مقصود، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که در زمینه‌های خاصی صحبت کرده یا رویدادی از زندگی خودشان را بیان کنند. با اطلاع آنان، صداهای آنها ضبط شد. پس از آن، با پیاده کردن نوار ضبط‌شده، بالغ بر ۷۰ تکواژ وابسته^۲ استخراج گردید که

۱- در تنگستان، این روستا را جمالی /jɛmali/ تلفظ می‌کنند.

با استفاده از معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳)، از میان این تکواژها، تعداد ۸ واژه‌بست شناسایی شدند و برای پاسخ به پرسش پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفتند.

۴- بحث و تحلیل

گویش تنگستانی مانند بیشتر گویش‌ها و زبان‌های دنیا دارای واژه‌بست است. در این گویش، واحدهای زبانی وجود دارد که بسیاری از خصوصیات واژه‌بست‌ها را در خود دارند؛ به عبارتی، این واحدهای زبانی به پایان واژه متصل می‌شوند، تکیه‌بر نیستند، به همه واحدهای زبانی دیگر از جمله واژه، گروه و جمله متصل می‌شوند و... که این ویژگی‌ها از جمله خصوصیات واژه‌بست‌هاست که همگی آنها با معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) مطابقت دارند. در ادامه پژوهش، به هنگام تحلیل داده‌ها، به معیارهای به‌کاررفته در واحدهای زبانی در این گویش اشاره خواهد شد.

با توجه به سنجش و به‌کارگیری معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) بر روی بیش از ۷۰ تکواژ وابسته، تعداد ۸ واژه‌بست در گویش تنگستانی شناسایی شدند که عبارت‌اند از: پی‌بست‌های ضمیری، کسره اضافه، یای نکره، یای تخصیص نکره، پی‌بست معرفه‌ساز که به‌صورت‌های /u/، /ku/ و /oku/ نمود می‌یابد، /o/ مخفف «و» همپایگی، /a/ مخفف «ها» تأکید، و /am, i, .../ معادل «هستم، هستی و...». از این تعداد، دو مورد به «واژه‌بست ساده»، مانند ۱- /o/ مخفف «و» همپایگی؛ و ۲- /a/ مخفف «ها» تأکید و شش مورد به «واژه‌بست ویژه» مانند ۱- /am, i, .../ معادل «هستم، هستی و...»؛ ۲- «یای نکره»؛ ۳- «یای تخصیص نکره»؛ ۴- «پی‌بست‌های ضمیری»؛ ۵- پی‌بست معرفه‌ساز /u/، /ku/، /oku/؛ و ۶- /e/ کسره اضافه اختصاص دارند. واژه‌بست‌های ذکرشده، برخی از ویژگی‌های واژه و برخی از ویژگی‌های وند را دارا هستند، چراکه همه واژه‌بست‌های مورد نظر، فاقد تکیه و وابسته‌اند که این از ویژگی‌های وندهاست. و از طرفی، مانع از عملکرد قاعده صرفی وندافزایی هستند و در صورت‌های هیچ‌یک، خلأ اتفاقی وجود ندارد. همچنین قاعده حذف به قرینه بر همه واژه‌بست‌های پیش‌گفته‌شده عمل می‌کند که این از ویژگی‌های واژه‌ها به‌شمار می‌آید، به این

۱- آیخن‌والد از نشانه «=» برای واژه‌بست و «-» برای وند استفاده می‌کند تا آنها را از یکدیگر متمایز سازد.

سبب، وضعیتی بینابین واژه و وند دارند. همهٔ واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی پی‌بست هستند، زیرا همگی به پایان واژه متصل می‌شوند که به تفکیک به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱- واژه‌بست‌های ضمیری^۱

همان‌گونه که پیش از این شرح آن رفت، یکی از انواع واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی، ضمائر وابسته هستند که به صورت پی‌بست‌های ضمیری ظاهر می‌شوند. که دارای شش صیغه (سه شخص و دو شمار) هستند و براساس کارکرد نحوی به چهار گروه تقسیم می‌شوند: الف) پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو)؛ ب) پی‌بست‌های مفعولی صریح؛ ج) پی‌بست‌های مفعولی غیرصریح؛ و د) پی‌بست‌های ملکی.

این پی‌بست‌ها بسیاری از معیارهای آیخن‌والد (۲۰۰۳) دربار واژه‌بست‌ها را در خود دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) تکیه‌بر نیستند و به پایان واژه‌ای متصل می‌شوند که دارای تکیه است. این ویژگی با پارامتر (۵) آیخن‌والد مطابقت دارد.

ب) نمی‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان واحد واژه واجی^۲ به‌کار برده شوند و این یکی از ویژگی واژه‌بست‌هاست که پارامتر ۴ آیخن‌والد (۲۰۰۳) را تداعی می‌کند.

ج) به واژه‌ای که دارای واژه‌بست است متصل می‌شوند و یک خوشه واژه‌بستی تشکیل می‌دهند که پارامتر ۸ آیخن‌والد را به ذهن متبادر می‌کند.

در ادامه به هنگام تحلیل داده‌ها به مصادیق پارامترهای گفته شده اشاره خواهیم کرد.

۴-۱-۱- پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو)

ضمایر شخصی پیوسته در گویش تنگستانی واژه‌بست هستند به شرط اینکه در جملات حاوی افعال متعدی با زمان گذشته باشند. این واژه‌بست‌ها در جمله دارای نقش فاعلی هستند و به‌صورت‌های /om=، /et=، /ef=، /emu=، /etu= و /efu= ظاهر می‌شوند.

1. pronoun clitic
2. phonological word

جدول ۱- پی‌بست‌های ضمیری (فاعلی، مفعول صریح و مفعول غیرصریح) در گویش تنگستانی

شمار	شخص	پی‌بست‌های ضمیری
مفرد	اول	/om/
	دوم	/et/
	سوم	/ej/
جمع	اول	/emu/
	دوم	/etu/
	سوم	/efu/

در زیر به نحوه توزیع و کارکرد این واژه‌بست‌ها می‌پردازیم:

۱- /boçvara ç'as=efu xe/ (بچه‌ها ناهار خوردند).

۲- /kall'u'm çay ke/ (قلیان را آماده کشیدن کردم).

۳- /ket'av=et xeri/ (آیا کتاب خریدی؟).

در این جملات، /om/، /et/، و /efu/ واژه‌بست هستند، چون (۱) تکیه‌بر نیستند و به پایان واژه‌ای متصل شده که دارای تکیه هستند و این با پارامتر ۵ آبخن‌والد (۲۰۰۳) مطابقت دارد؛ (۲) نمی‌توانند به تنهایی به‌عنوان واحد واژه واجی به‌کار برده شوند، بلکه می‌بایست به واژه دیگری متصل شوند تا معنا پیدا کنند که پارامتر ۴ آبخن‌والد را به ذهن متبادر می‌کند. چون جملات دارای فعل گذشته متعدی است، این پی‌بست‌ها به‌صورت پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) ظاهر می‌شوند. این پی‌بست‌ها فاعل منطقی جملات هستند و با فاعل جملات (اسم /boçvara/ و ضمائر آزاد (فاعل محذوف) /mo/ و /to/ عمل مطابقت را انجام می‌دهند. ضمائر فاعلی آزاد در گویش تنگستانی /mo/، /to/، /'u/، /ma/، /foma/ و /'una/ هستند که شمار آنها به‌شرح زیر است:

۱- به‌دلیل التقای دو مصوت، مصوت پی‌بست حذف شده است. اگر ضمائر شخصی پیوسته به عنصر فعلی متصل شوند، مابین دو مصوت، واج میانجی ظاهر می‌شود، مانند: /xeti-y-om/.

جدول ۲- ضمایر آزاد (فاعلی و مفعولی) در گویش تنگستانی

شمار	شخص	پی بست‌های ضمیری
مفرد	اول	/mo/
	دوم	/to/
	سوم	/'u/
جمع	اول	/ma/
	دوم	/ʃoma/
	سوم	/'una/

این ضمایر همچون پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) نقش فاعلی جمله را دارند ولی از نظر جایگاه نحوی با آنها تفاوت دارند. زیرا ضمایر فاعلی آزاد در ابتدای جمله ظاهر می‌شوند؛ حال آنکه پی‌بست‌های فاعلی هیچ‌گاه در ابتدای جمله ظاهر نمی‌شوند و این امر به دلیل ویژگی مقیدبودن آن به عنصر سمت چپ خود است. از طرفی، به دلیل ویژگی ضمیراندازبودن این گویش، ضمایر فاعلی آزاد را می‌توان از ابتدای جمله حذف کرد و این در حالی است که پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) اختیاری نیستند و نمی‌توانند در ابتدای جمله ظاهر شوند، که در مثال‌های زیر به این موضوع اشاره شده است:

۴- من خوابیدم. (گذشته لازم) (نشانه‌های فعلی) /xeti-y-om/ (mo)

۵- او مرا زد. (گذشته متعدی) (پی‌بست فاعلی) /mo=ʃ ze /('u)

در مثال‌های بالا، /mo/ و /'u/ ضمایر فاعلی آزاد هستند که می‌توانند حذف شوند، مانند: /xeti-y-om/ (خوابیدم)؛ و /mo=ʃ ze / (مرا زد)؛ در حالی که /eʃ/ پی‌بست فاعلی است و امکان حذف آن در جمله وجود ندارد؛ مانند: /mo ze/ * جمله نادرستی است.

نکته دیگر اینکه پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) در مقایسه با شناسه‌های فعلی در توزیع تکمیلی‌اند، به این معنی که، پی‌بست‌های فاعلی در جملات متعدی در زمان گذشته ظاهر می‌شوند، جایی که شناسه‌های فعلی ظاهر نمی‌شوند. و از طرفی، پی‌بست‌های فاعلی در زمان حال (متعدی و لازم) و در زمان گذشته لازم ظاهر نمی‌شوند و به جای آنها، شناسه‌های فعلی می‌آیند که این نقش را دارند. به این مثال‌ها توجه کنید:

۶- (می‌روم) /miʃ-om/ (حال لازم)

۷- (خواب رفتی) /xow varaft-i/ (گذشته لازم)

۸- (نان می‌خوری) /nun mixor-i/ (حال متعدی)

۹- (نان را پختم) /nun=om poht/ (گذشته متعدی)

۱۰-۱- تو آن گوسفند را بردی / (to) mij=oku=~~t~~ bord /

۱۰-۲- (تو آن گوسفند را بردی) / (to) mij=oku bord=~~et~~ *

۱۱-۱- بیدار شدم / biyar vave=~~om~~ (گذشته لازم).

۱۱-۲ (بیدار شدم) /biyar-~~om~~ vav-i/ (گذشته لازم).

در مثال‌های (۶) تا (۸)، پسوندهای ضمیری به صورت شناسه‌های فعلی آمده‌اند؛ زیرا فعل در حالت حال لازم و متعدی و گذشته لازم است و با فاعل‌های جملات که محذوف‌اند کار مطابقت انجام داده‌اند، و جملات دستوری هستند. در مثال (۹) پی‌بست ضمیری یک واژه‌بست است، زیرا تکیه‌بر نیست و به پایان واژه‌ای که دارای تکیه است متصل شده که با پارامتر ۵ آیخن‌والد (۲۰۰۳) مطابقت دارد. از طرفی، چون فعل در حالت گذشته متعدی است، این پی‌بست در نقش فاعلی آمده و در جایگاه فاعل منطقی است و با فاعل جمله که محذوف است کار مطابقت انجام داده است. بنابراین جمله دستوری است. در مثال (۱۰-۱)، با توجه به اینکه جمله در حالت گذشته متعدی است، پی‌بست /=~~et~~/ در نقش فاعلی (ارگتیو) آمده و در جایگاه فاعل منطقی است، و با فاعل جمله کار مطابقت انجام داده است. از این رو، جمله دستوری است. ولی در جمله (۱۰-۲) جمله نادرستی است؛ و امکان تولید آن توسط گویشوران وجود ندارد زیرا فعل در حالت گذشته متعدی است و می‌بایست پی‌بست ضمیری به صورت پی‌بست فاعلی (ارگتیو) بیاید، حال آن‌که، پی‌بست ضمیری به صورت شناسه فعلی آمده و جمله را نادرستی کرده است. در مثال (۱۱-۱) با توجه به اینکه فعل در حالت گذشته لازم است پی‌بست ضمیری به صورت شناسه فعلی آمده و جمله دستوری است. ولی در جمله (۱۱-۲) جمله نادرستی است، و امکان تولید آن توسط گویشوران وجود ندارد زیرا فعل در حالت گذشته لازم است. همچنین شناسه فعلی می‌بایست کار مطابقت را انجام دهد، حال آنکه پی‌بست فاعلی کار مطابقت را انجام داده است. تفاوت دیگر پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) با شناسه‌های فعلی در این است که پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) نسبت به شناسه‌های فعلی قدرت انتخاب میزبانان بیشتری را دارد، آنچه که در پارامتر ۲ آیخن‌والد اشاره شده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱۲- /siçe fum nemixor-~~in~~/ برای چه شام نمی‌خورید؟ (حال متعدی).

۱۳- /sice =t¹ fum nexe/ برای چه شام نخوردی؟ (گذشته متعدی).

۱۴- /sice fum =etu nexe/ چرا شام نخوردید؟ (گذشته متعدی).

۱۵- /sice fum ne =tu² xe/ چرا شام نخوردید؟ (گذشته متعدی).

۱۶- /sice lovasa nefost=etu/ چرا لباس‌ها را نشستید؟ (گذشته متعدی).

در مثال (۱۲)، */-in/* که شناسه فعلی است، در انتخاب پایه تنها یک گزینه دارد و آن فعل است، حال آن‌که در مثال‌های (۱۳) تا (۱۶)، */=et/* و */=etu/* واژه‌بست هستند و در جمله‌ای که دارای چهار عنصر (حرف استفهام، اسم، عنصر غیرفعلی و فعل) است، می‌تواند آن عناصر را به‌عنوان میزبانان خود انتخاب کند. قابل ذکر است مثال‌های ۱۳ تا ۱۵ دارای معنای یکسان هستند، اما اتصال پی‌بست با عناصر متفاوت در جملات ذکر شده، یک مفهوم خاص را برجسته کرده است. به‌عنوان نمونه، در مثال ۱۳، بر عنصر استفهام «*/sice/*» تأکید شده است. در مثال ۱۴ مفهوم «شام» برجسته شده است یا اینکه در مثال ۱۵ مفهوم «خوردن» برجسته شده است. با توجه به مثال‌های فوق از شناسه‌های فعلی در جملات زمان حال و گذشته لازم و مثال‌های ذکر شده از پی‌بست فاعلی در زمان گذشته متعدی، تشابه و تفاوت این دو بدین شرح مشاهده می‌شود: الف) پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) و شناسه‌های فعلی، هردو نقش نحوی یکسانی دارند که همان مطابقه است و هردو در نقش فاعل ظاهر می‌شوند و در صورت حذف فاعل آشکار جمله، هم شناسه‌های فعلی و هم پی‌بست‌های فاعلی نقش شخص و شمار را ایفا می‌کنند؛ ب) برخلاف بسیاری از گویش‌های ارگتیوی که در آنها پی‌بست‌های فاعلی و نشانه‌های فعلی با مفعول مطابقت می‌کنند، در گویش تنگستانی، این دو از نظر شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت می‌کنند؛ و ج) از تفاوت‌های آنها به‌لحاظ تعیین میزبان، شناسه‌های فعلی تنها به ستاک فعل متصل می‌شود و حال آنکه پی‌بست‌های فاعلی (ارگتیو) که واژه‌بست قلمداد می‌شوند، توانایی انتخاب میزبانان بیشتری را دارند و به عناصر متنوعی متصل می‌شوند، به‌عبارتی، توزیع آزادتری نسبت به شناسه‌های فعلی دارند.

۱- به علت التقاء دو مصوت، مصوت پی‌بست حذف شده است.

۲- به علت التقاء دو مصوت، مصوت پی‌بست حذف شده است.

۴-۱-۲- پی‌بست‌های مفعولی صریح

عناصری مانند اسم، ضمیر و بند می‌توانند در جایگاه مفعول قرار گیرند. در این میان، ضمائر مفعولی به دو گروه الف) ضمائر آزاد؛ و ب) ضمائر پی‌بستی تقسیم می‌شوند.

۴-۱-۲-۱- ضمائر شخصی آزاد در جایگاه مفعول

ضمائر شخصی آزاد که در جایگاه مفعول می‌آیند، در گویش تنگستانی همانند فارسی معیار، بعد از فاعل و قبل از فعل قرار می‌گیرند. این ضمائر، در واقع، موضوع درونی فعل هستند. ضمائر مفعولی آزاد در گویش تنگستانی همانند ضمائر فاعلی آزاد هستند که عبارت‌اند از: *to mo* ' *una* و *foma ma au*.

۴-۱-۲-۲- ضمائر شخصی پی‌بستی در جایگاه مفعول

پی‌بست‌های مفعولی در گویش تنگستانی به‌لحاظ شکل و تلفظ همانند پی‌بست‌های فاعلی هستند که عبارت‌اند از: */om, =et, =ef, =emu, =etu, =efu/*. مفعول در گویش تنگستانی، برخلاف فارسی معیار، فاقد نقش‌نمای «را» است. بدین سبب، امکان جابه‌جایی مفعول در جمله در قالب ضمیر وجود ندارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱۷- *ovord=om=ef/* (آن را آوردم). (مفعول به‌صورت ضمیر)

*۱۸- *xond=ef mo /* (آن را خواندم). (مفعول به‌صورت ضمیر)

۱۹- *çarx mixer=om/* (من دوچرخه می‌خرم).

*۲۰- *çarx mo mixer=om/* (دوچرخه من می‌خرم).

در مثال (۱۷) */=ef/* پی‌بست مفعولی است. با توجه به این‌که فعل در حالت گذشته متعدی است، پی‌بست فاعلی (ارگتیو) و پی‌بست مفعولی همزمان در جمله آمده‌اند. و این، یکی از خصوصیات واژه‌بست‌هاست که آبخن‌والد (۲۰۰۳) در پارامتر ۸ به آن اشاره کرده است. با توجه به اینکه پی‌بست مفعولی بعد از پی‌بست فاعلی قرار گرفته است، جمله به‌لحاظ دستوری درست است. در مثال (۱۸) حرکت مفعول نشان داده شده است. همان‌گونه که گفته شد، به‌دلیل اینکه مفعول در گویش تنگستانی، فاقد علامت نقش‌نما است، جابه‌جایی مفعول امکان‌پذیر نیست؛ لذا آمدن مفعول قبل از فاعل، جمله را نادرستی کرده است.

قابل ذکر است امکان جابه‌جایی برای مفعول در قالب غیرضمیری (اسم) هم، به‌دلیلی که پیش از این گفته شد، امکان ندارد. مثال‌های (۱۹) و (۲۰) نیز حرکت مفعول اسمی را نشان

می‌دهند. در جمله (۱۹)، به دلیل اینکه مفعول بعد از فاعل قرار گرفته است، جمله دستوری است؛ ولی در مثال (۲۰) به دلیل آمدن مفعول اسمی قبل از فاعل، جمله نادرستی شده است. با توجه به اینکه پی‌بست‌های ضمیری فاعلی و مفعولی به لحاظ واجی و ساختوازی یکسان است، حضور همزمان آنها در جملات، تابع قواعد خاصی است، که عبارت‌اند از: الف) اگر پی‌بست فاعلی اول شخص مفرد باشد، پی‌بست‌های مفعولی با تمامی اشکال آن «به استثنای اول شخص مفرد و جمع» می‌توانند همزمان با پی‌بست فاعلی حضور یابند. مثال:

*۲۱- من را شناختم / fenaxt=om=om /، (پی‌بست مفعولی در حالت اول شخص مفرد است، در نتیجه جمله نادرستی است).

۲۲- تو را شناختم / fenaxt=om=et /، (پی‌بست مفعولی در حالت دوم شخص مفرد است، در نتیجه جمله دستوری است).

۲۳- او را شناختم / fenaxt=om=ef /، (پی‌بست مفعولی در حالت سوم شخص مفرد است، در نتیجه جمله دستوری است).

*۲۴- ما را شناختم / fenaxt=om=emu /، (پی‌بست مفعولی در حالت اول شخص جمع است، در نتیجه جمله نادرستی است).

۲۵- شماها را شناختم / fenaxt=om=etu /، (پی‌بست مفعولی در حالت دوم شخص جمع است، در نتیجه جمله دستوری است).

۲۶- آنها را شناختم / fenaxt=om=efu /، (پی‌بست مفعولی در حالت سوم شخص جمع است، در نتیجه جمله دستوری است).

قابل ذکر است در مثال‌های فوق، دو پی‌بست در کنار هم قرار گرفته‌اند که این، از ویژگی‌های واژه‌بست‌هاست و آیخن‌والد (۲۰۰۳) در معیار ۸ به آن اشاره کرده است.

ب) اگر پی‌بست فاعلی سوم شخص باشد، پی‌بست مفعولی فقط می‌تواند به صورت «اول شخص مفرد و جمع» همزمان با پی‌بست فاعلی حضور یابد؛ مثال:

۲۷- او مرا زد / $(\text{'u}) \text{zet=om=ef}$ /، (پی‌بست مفعولی اول شخص مفرد است، جمله دستوری است).

*۲۸- او تو را زد / $(\text{'u}) \text{zet=et=ef}$ /، (پی‌بست مفعولی دوم شخص مفرد است، جمله نادرستی است).

*۲۹- او او را زد /('u) zet=ef=ef/ (پی‌بست مفعولی سوم شخص مفرد است، جمله نادستوری است).

*۳۰- او ما را زد /('u)zet=emu=f/ (پی‌بست مفعولی اول شخص جمع است، جمله دستوری است).

*۳۱- او شماها را زد /('u) zet=etu=ef/ (پی‌بست مفعولی دوم شخص جمع است، جمله نادستوری است).

*۳۲- او آنها را زد /('u) zet=efu=ef/ (پی‌بست مفعولی سوم شخص جمع است، جمله نادستوری است).

در مثال‌های فوق /=**ef**/ پی‌بست فاعلی است، و واژه‌بست است و به واژه‌ای که دارای واژه‌بست است، متصل شده است و این، یکی از ویژگی واژه‌بست‌هاست که آبخن‌والد (۲۰۰۳) در پارامتر ۸ به آن اشاره کرده است.

ج) اگر پی‌بست فاعلی سوم شخص باشد، آمدن حرف اضافه /si/ (برای) قبل از پی‌بست مفعولی، باعث می‌شود تمامی اشکال پی‌بست مفعولی، همزمان با پی‌بست فاعلی در جمله بیاید، مثال:

۳۳- او مرا زد /('u) zet=ef si=**m**/

۳۴- او تو را زد /('u) zet=ef si=**t**/

۳۵- او او را زد /('u) zet=ef si=**f**/

۳۶- او ما را زد /('u) zet=ef si=**mu**/

۳۷- او شماها را زد /('u) zet=ef **si=tu**/

۳۸- او آنها را زد /('u) zet=ef si=**fu**/^۱

د) اگر پی‌بست مفعولی به همراه حرف اضافه قبل از فاعل بیاید و پی‌بست فاعلی به ستاک فعل متصل شود، معنی جمله کاملاً تغییر می‌کند؛ مثال:

۳۹- او برای (به خاطر) من زد /si=**m** zet=ef/ (اوبه خاطر من زد)

۴۰- او برای تو زد /si=**t**-zet=ef/

۴۱- او برای ما زد /si=**mu** zet=ef/

۴۲- او برای شماها زد /si=**tu** zet=ef/

۱- در مثال‌های ۳۳ تا ۳۸ به علت التقاء دو مصوت، مصوت پی‌بست حذف شده است.

۴۳- او برای آنها زد /si=fu zet=ej/.

(مثال‌های این قسمت با مثال‌های قسمت «ج» مقایسه شود).

ه) اگر میزبان پی‌بست فاعلی، ضمیر آزاد مفعولی به‌همراه حرف اضافه /si/ باشد، معنای

آن با حالتی که میزبان آن پی‌بست مفعولی باشد، تفاوت دارد؛ مثال:

الف) به من زد /si mo=f ze/ برای من زد /si=m=e f ze/

ب) به تو زد /si to=f ze/ برای تو زد /si=t=e f ze/

د) به او زد /si 'u=f ze/ برای او زد /si=f=e f ze/

ه) به ما زد /si ma=f ze/ برای ما زد /si=mu=f ze/

و) به شماها زد /si foma=f ze/ برای شماها زد /si=tu ze/

ز) به آنها زد /si 'una=f ze/ برای آنها زد /si=fu ze/

شایان ذکر است، مثال‌های دوم از بخش «ه» با مثال‌های ۳۹ تا ۴۳ به‌لحاظ معنایی یکسان است. به‌نظر می‌رسد گویشوران با رعایت اصل کم‌کوشی در زبان، با صرف انرژی کمتر، مفهوم بیشتری را به مخاطب انتقال می‌دهند.

۴-۱-۳- پی‌بست‌های مفعول غیرصریح (متممی)

عناصری مانند اسم و ضمیر می‌توانند در جایگاه مفعول غیرصریح (متممی) قرار گیرند. این عناصر بعد از حروف اضافه /si/ (برای)، /fa/ (از، با) و /tu/ (در) متصل می‌شوند و به‌عنوان موضوع‌های داخلی فعل‌های متعدی دو مفعولی قرار می‌گیرند:

۴۴- /i kise genom si xalu-m da/ این کیسه گندم را به دایم دادم (اسم در جایگاه

مفعول غیرصریح).

۴۵- /'u) ow tu mafk=e f ke/ او آب را در مشک کرد (اسم در جایگاه مفعول

غیرصریح).

۴۶- /cehl teman pil si mo=f da/ چهل تومان پول را به من داد (ضمیر آزاد در جایگاه

مفعول غیرصریح).

۴۷- /panja teman fa=f=om vasa/ پنجاه تومان از او گرفتم (ضمیر پی‌بستی در جایگاه

مفعول غیرصریح).

ضمایری که در جایگاه مفعول غیرصریح (متممی) قرار می‌گیرند، به لحاظ شکل و تلفظ همانند ضمایری هستند که در جایگاه مفعولِ صریح قرار می‌گیرند، و بر دو نوع، ضمائر آزاد و ضمائر پی‌بستی هستند. این ضمائر بعد از حروف اضافهٔ /si/ (برای)، /fa/ (از، با) و /tu/ (در) قرار می‌گیرند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

۴۸- او ناهار را به من داد /'u) ɕas=eʃ si mo da/ (ضمیر آزاد در جایگاه مفعول غیرصریح)

۴۹- کتاب را از او گرفتم /ketav fa=f=om vasa/ (پی بست ضمیری در جایگاه مفعول غیرصریح)

۵۰- او بنزین را در آن کرد /'u) benzin=eʃ tu=f ke/ (پی بست ضمیری در جایگاه مفعول غیرصریح)

در جملهٔ (۴۸) ضمیر آزاد به‌عنوان مفعول غیرصریح آمده است. در جملات (۴۹) و (۵۰)، پی‌بست ضمیری به‌عنوان مفعول غیرصریح آمده‌اند. همچنین در این جملات، پی‌بست فاعلی و پی‌بست مفعولی غیرصریح همزمان آمده‌اند، و خوشهٔ پی‌بستی تشکیل داده‌اند. توالی آمدن این دو پی‌بست به شرطی است که پی‌بست مفعولی غیرصریح مفرد باشد، در غیر این صورت، پی‌بست فاعلی نیاز به میزبان دیگری دارد؛ مثال:

الف- او ناهار را به او داد /'u ɕas si=f=eʃ da/

*ب- او ناهار را به آنها داد /('u) ɕas si=fu=f da/

ج- او ناهار را به آنها داد /'u ɕas si=fu da=f/

د- او ناهار را به آنها داد /('u) ɕas=f si=fu da/

در جملهٔ (الف)، خوشهٔ پیوستی تشکیل شده است، زیرا پی‌بست ضمیری مفعول غیرصریح مفرد است. جملهٔ (ب)، به‌دلیل اینکه پی‌بست مفعول غیرصریح جمع است، نمی‌تواند خوشهٔ پی‌بستی تشکیل دهد و جمله نادرستی است و به‌ناچار پی‌بست فاعلی میزبانان مختلفی انتخاب می‌کند، که در جملهٔ (ج)، به فعل و در جملهٔ (د)، به اسم متصل شده است.

۴-۱-۴- پی‌بست‌های ملکی

عناصری مانند اسم و ضمیر می‌توانند در جایگاه ملکی قرار گیرند. ضمائر ملکی به‌صورت آزاد و پی‌بستی همچون ضمائر مفعول صریح و غیرصریح هستند که از ذکر مجدد آن صرف‌نظر

می‌کنیم. مالکیت در این گویش، همانند فارسی معیار، به صورت ترکیب دو اسم یا به صورت ترکیب اسم و ضمیر است. در حالتی که برای نشان دادن مالکیت، از ترکیب دو اسم استفاده شود، بین این دو اسم کسره اضافه ظاهر می‌شود؛ مانند: پیراهن علی /*Ali-jume-ye*، ولی اگر به صورت ترکیب اسم-ضمیر بیاید، دو حالت وجود دارد:

الف- اگر ضمیر به صورت آزاد باشد، کسره اضافه ظاهر می‌شود؛ مانند: *ketav=e mo/* (کتاب من)؛ و ب- اگر ضمیر به صورت پیوستی باشد، غالباً کسره اضافه حذف می‌شود؛ مانند: *orsim=m/* (کفش من).

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد، این است که گاهی اوقات پیوست‌های ملکی و فاعلی همزمان در جمله نمایان می‌شوند. به هنگام ظهور پیوست ملکی، شناسه فعلی یا پیوست فاعلی اجباراً باید به فعل متصل شوند، مثال:

۵۱- کفشم گم شده است /*orsim gom vavey-en/* (شناسه فعلی).

۵۲- کفشم را پیدا کردم /*orsim vajurt=om/* (پیوست فاعلی).

اما اگر مفعول صریح و غیرصریح در جمله بیایند و پیوست ملکی در جمله ظاهر شود، پیوست فاعلی می‌تواند فعل و مفعول صریح را به عنوان میزبان خود برگزیند؛ مانند:

۵۳- /*si mij-et ow=m da/* (به گوسفندت آب دادم) (مفعول صریح میزبان است).

۵۴- /*si mij=et ow da=m/* (به گوسفندت آب دادم) (فعل میزبان است).

پیوست‌های فاعلی و مفعولی همزمان به گروه اسمی متصل شده‌اند و یک خوشه پیوستی تشکیل داده‌اند. نکته قابل توجه این‌که، پیوست‌های ضمیری نمی‌توانند به درون گروه وارد و متصل شوند، مگر این‌که آن عنصر هسته تنها تکواژ گروه باشد؛ آنچه که آبخن‌والد (۲۰۰۳) در پارامتر ۳ به آن اشاره کرده است، مانند:

*۵۵- /*do:t=m-e xalu*)=*f vasa/* (دختر دایم را به همسری برگزید).

در مثال ۵۵ به دلیل اتصال پیوست ضمیری به درون گروه^۲، جمله ناستوری است.

۱- /y/ واج میانجی است.

۲- برای روشن‌تر شدن مطلب، گروه درون کمانک آمده است.

۴-۲- واژه‌بست‌های غیرضمیری^۱ در گویش تنگستانی

۴-۲-۱- «کسره اضافه»، /e/

یکی از واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی تکواژ «کسره اضافه» است و از نوع ویژه، که در ساخت‌های اضافی (مضاف+ مضاف‌الیه) و وصفی (موصوف+ صفت) به کار گرفته می‌شود و به دنبال اسم می‌آید و آن را به «اسم/ گروه اسمی» یا «صفت/ گروه صفتی» بعد از خود مربوط می‌کند؛ مثال:

۵۶- آن غله بلند^۲ مربوط به کیست؟ /alle-ye gottu male ka:n/ (صفت+موصوف).

۵۷- خانه ما چکه می‌کند /xune-ye ma tok miko/ (مضاف+مضاف‌الیه).

معیارهای آبخن‌والد نشان می‌دهد که «کسره اضافه» در این گویش یک واژه‌بست است، زیرا الف- عناصر مختلفی از جمله اسم، صفت، قید، و... را به‌عنوان میزبانان خود می‌پذیرد، آنچه که در معیار پیشنهادی شماره (۲) آبخن‌والد آمده است، مانند: /xune-y-e kahi/ (کاهدان) (اسم+واژه‌بست)؛ /cepel=e herum/ (فرد بسیار زشت و نابکار) (صفت+واژه‌بست)؛ و همچنین /sov-e gah/ (صبح زود) (قید+ واژه‌بست).

ب- برخلاف واژه‌ها، فاقد تکیه است و این ویژگی با معیار (۵) آبخن‌والد مطابقت دارد.
ج- به هنگام اضافه‌شدن به اسم یا گروه اسمی، وندهای تصریفی نمی‌توانند به آن متصل شوند، مانند * /tong-e-ha bisar/ (تنه‌ها نخل بی‌سر)، ولی واژه‌بست‌ها می‌توانند پس از وندها به کلمات متصل شوند، آنچه که در معیار شماره ۱۰ آبخن‌والد به آن اشاره شده است؛ مانند /xune-ha-ye geli/ (خانه‌های گلی) (واژه+پسوندها+واژه‌بست).

۴-۲-۲- نشانه نکره «-ی» (بای نکره)

یکی دیگر از واژه‌بست‌های گویش تنگستانی «بای نکره» است و از نوع ویژه که با توجه به جهت اتصال، یک پی‌بست است، زیرا «-ی» به پایه و منتهی‌الیه چپ اسم یا گروه اسمی افزوده می‌شود. با توجه به پارامترهای آبخن‌والد، «-ی» نکره در گویش تنگستانی یک واژه‌بست است، زیرا:

1. non-pronoun clitic

۲- غله: ساقه‌بلند و پرپشت.

الف- فاقد تکیه است و این ویژگی با پارامتر (۵) آیخن‌والد مطابقت دارد، همان‌گونه که در مثال‌های «او کتابی خواند (او یک کتاب خواند)»؛ /'u boç=i fən/ (او یک پسر دارد)؛ و /merd=i'eme/ (یک مرد آمد) مشاهده می‌شود، در واژه‌های دارای واژه‌بست، تکیه بر روی هجای ماقبل «-یای» نکره است. گفتنی است در تلفظ واژه‌های مذکور با وارد کردن تکیه بر روی «-ی»، واژه‌ها به صفت نسبی تبدیل می‌شوند و «-ی» پسوند صفت نسبی‌ساز است که مراد ما در این جستار نیست.

ب- در انتخاب میزبان خود زیاد گزینشی عمل نمی‌کند. به عبارتی، درجه گزینشی پائینی دارد و میزبان‌های مختلفی با طبقات مختلف می‌پذیرد، آنچه که در پارامتر شماره (۲) آیخن‌والد آمده است؛ مانند: دختری /do:t=i/ (میزبان اسم)؛ پیراهن گشادی /jume-ye / (میزبان صفت)؛ و گه‌گاهی /ga gah=i/ (میزبان قید).

ج- به قرینه لفظی در جملات حذف می‌شود که این یکی از ویژگی‌های واژه‌بست است که آیخن‌والد در پارامتر (۱۴) به آن اشاره کرده است، مانند:

۵۸- در جواب سؤال /kavlan 'injâ çi bi/ (قبلاً در این مکان چه وجود داشت؟) گفته می‌شود: /kavlan injâ kavxune=i vo gârâj=i bi/ (قبلاً در اینجا قهوه‌خانه و ترمینال مسافری وجود داشت).

در جمله (۵۸) «-ی» نکره در واژه «قهوه‌خانه» به قرینه لفظی حذف شده است.

۴-۲-۳- «یای» تخصیص نکره

یکی دیگر از واژه‌بست‌های گویش تنگستانی «یای» تخصیص نکره است. در کتاب‌های دستور آمده است، هرگاه وابسته اسم، یک جمله‌واره باشد، پس از اسم و قبل از جمله‌واره، یک «-ی» اضافه می‌شود که به آن یای تخصیص نکره گویند؛ مانند:

۵۹- /zemin=i ke fohm=om ke yowd bi/ (زمینی که شخم زدم، حاصلخیز بود).

۶۰- /i'anguftir=i ke daseten çekad xeriten/ (این انگشتری که به دست هست، چقدر خریده‌ای؟).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از معیارهای مطرح‌شده توسط زبان‌شناسان برای شناسایی «واژه‌بست» در «یای» تخصیص نکره گویش تنگستانی نیز دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- «یای» تخصیص نکره بعد از واژه یا گروه پایه می‌آید و در حوزه نفوذ گروه اسمی قرار دارد و با در نظر گرفتن جهت اتصال، یک پی‌بست است که آیخن‌والد در پارامتر شماره ۱ به آن اشاره کرده است؛ مانند: *dimit=i ke bu:=m da, kavkav bi* (نخلی که بذرافشانی کردم، از نوع کیکاب بود).

ب- «یای» تخصیص نکره در انتخاب میزبان خود با محدودیت زیادی روبرو نیست و عناصر مختلفی از جمله را می‌پذیرد، مانند:

۶۱- *do:t=i ke jumej sowz=i tenejen, dayam=en/* (دختری که لباس سبزی به

تن دارد خواهر من است) «اسم+ واژه‌بست».

۶۲- *sa:t kefang=i ke tu daseten, key xeriten/* (ساعت زیبایی که در دست داری،

کی خریدی؟) «صفت+ واژه‌بست».

۶۳- *kes=i ke donbalef migaft-om, vajord-om/* (کسی که به دنبالش بودم،

پیدایش کردم) «ضمیر+ واژه‌بست».

ویژگی اشاره‌شده از جمله ویژگی‌های واژه‌بست است که در پارامتر شماره ۲ آیخن‌والد آمده است.

ج- «یای» تخصیص نکره فاقد تکیه است که این ویژگی با معیار ۵ آیخن‌والد مطابقت دارد؛ مانند:

۶۴- «معلمی که ام، معلم ریاضین» *mo'allem=i ke 'eme, mo'alleme riaziiyen/*

(معلمی که آمد، معلم ریاضی است).

در این جمله، تکیه بر روی ماقبل /i/ است.

۴-۲-۴ - «او، کو، اُکو» /='u,=ku,=oku/ معرفه‌ساز

از دیگر واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی، تکواژهای «او» «کو» و «اُکو» با کارکرد معرفه‌سازی هستند که در شرایط خاص آوایی، در واژه‌های مشتق، ظاهر می‌شوند؛ به این صورت که اگر

پایه به صامت ختم شود، پی‌بست به صورت «اُکو» ظاهر می‌شود، مانند «گُلکو» /gol=oku/ (آن گل)، «زمینکو» /zemin=oku/ (آن زمین) و «زُنکو» /zen=oku/ (آن زن)؛ و اگر پایه به مصوت مختوم شود، پی‌بست به صورت «-کو» نمایان می‌شود؛ مانند «جومیکو» /jumej=ku/ (آن لباس)، «خونیکو» /xuney=ku/ (آن خانه) و «هواکو» /hevâ=ku/ (آن هوا). همچنین اگر پی‌بست مزبور به اسامی خاص و صفات افزوده شود، به صورت «-او» ظاهر می‌شود؛ مانند «حِسینو» /hesen=u/ (حسن)، «غُلُو» /Yol=u/ (غلام)، «عِلُو» /'el=u/ (علی)، «درازو» /derâz=u/ (دراز) و «پهنو» /pæhn=u/ (پهن). بررسی‌ها نشان می‌دهد «تکواژهای» ذکرشده، بسیاری از معیارهای واژه‌بست را در خود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- تکواژهای مورد نظر در پایان واژه یا گروه می‌آید و در حوزه نفوذ گروه اسمی قرار دارد و با در نظر گرفتن جهت اتصال، یک پی‌بست است که آبخن‌والد در معیار شماره ۱ به آن اشاره کرده است؛ مانند کاسیکو /kasey=ku/ (آن کاسه)؛ و گلکو /gol=oku/ (آن گل).

ب- تکواژهای موصوف هیچ‌گاه تکیه‌بر نیستند و به پایه‌ای که دارای تکیه است متصل می‌شوند که این ویژگی، معیار آبخن‌والد را تداعی می‌کند؛ مانند: «خونیکو» /xun'ey=ku/ (آن خانه)، تکیه بر روی واج ماقبل واژه‌بست است.

ج- تکواژهای ذکرشده در انتخاب میزبان محدودیت چندانی ندارد و به واحدهای مختلف زبانی متصل می‌شود که معیار ۲ آبخن‌والد تداعی می‌شود؛ همچنین، زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) در معیار شماره (۱) خود به این موضوع اشاره کرده‌اند، مانند: «دو:توکو» /do:t=oku/ (اسم+واژه‌بست)، زشتو /zešt=u/ (صفت+واژه‌بست). ضمن اینکه واژه‌بست گفته‌شده به جمله متصل نمی‌شود.

د- به هنگامی که واژه‌بست ذکرشده برپایه میزبان متصل می‌شود، امکان افزوده‌شدن «وندهای تصریفی» به آن وجود ندارد که این ویژگی واژه‌بست‌هاست و آبخن‌والد (۲۰۰۳) در معیار شماره (۱۰) و زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) در معیار شماره (۶) خود به آن اشاره کرده‌اند؛ مانند: * «بِچْکوا» /boç=oku-a/ (آن پسرها)؛ و * «چپلوا» /çepel=u-a/ (آن کثیف‌ها).

۴-۲-۵- «أ»/ =o/ علامت عطف

یکی دیگر از واژه‌بست‌ها در گویش تنگستانی، «أ»/ =o/ علامت عطف است که برای متصل کردن دو واژه، گروه یا جمله‌ای به کار می‌رود که هم‌ارز و دارای ارزش دستوری یکسانی هستند. تکواژ ذکرشده صورت کوتاه‌شده «ؤ»/ vo/ است که غالباً در گفتار ظاهر می‌شود. تکواژ مورد بحث، بسیاری از ویژگی‌های واژه‌بست را داراست که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- تکواژ «أ» تکیه‌بر نیست که این، یکی از ویژگی‌های واژه‌بست‌هاست که آبخن‌والد در پارامتر (۵) به آن اشاره کرده است. همان‌گونه که گفته شد، تکواژ «أ» صورت کوتاه‌شده «ؤ»/ vo/ بوده است. از این‌رو، این واژه‌بست از نوع ساده است.

ب- تکواژ «أ» در انتخاب میزبان زیاد گزینشی عمل نمی‌کند، بلکه به طبقات مختلف دستوری چون «اسم»، «صفت»، «فعل» و «قید» متصل می‌شود که این ویژگی، معیار (۱۵) آبخن‌والد را تداعی می‌کند؛ ضمن اینکه زوئیکی و پولوم نیز در پارامتر شماره (۱) خود به آن اشاره کرده‌اند؛ مثال:

۶۵- /bovam =o de'eim/ (پدر و مادرم) ، (اسم+ واژه‌بست+ اسم).

۶۶- /gotu=o koçik/ (بزرگ و کوچک)، (صفت+واژه‌بست+صفت).

۶۷- /xard=o bord/ (خورد و برد)، (فعل+ واژه‌بست+فعل).

ج- تکواژ «أ» نه تنها به واژه، بلکه به گروه و جمله نیز اضافه می‌شود که، طبق معیار (۲) آبخن‌والد، این از ویژگی‌های واژه‌بست است؛ مثال:

۶۸- /das=o pa/ (دست و پا) ، (واژه+ واژه‌بست+واژه).

۶۹- /'ademe johal=o zen=e pir/ (مرد جوان و زن پیر)، (گروه+واژه‌بست+گروه).

۷۰- /kokam be jang raft=o fehid vavi/ (برادرم به جبهه جنگ رفت و شهید شد)،

(جمله+واژه‌بست+جمله).

۴-۲-۶- صورت‌های معادل فعل ربطی «بودن» و «است» یا «هست»

یکی دیگر از واژه‌بست‌های گویش تنگستانی، صورت‌های معادل فعل ربطی «بودن» و «است» یا «هست» هستند که در گفتار گویشوران ظاهر می‌شوند، این صورت‌ها عبارت‌اند از: «أم»/ =om/ هستم، «ای»/ =i/ هستی، «إ»/ =e/ هست، «ایم»/ =im/ هستیم، «این»/ =in/ اینست.

(/in/) هستید، «=an/» هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، تکواژهای مورد بحث، بسیاری از ویژگی‌های واژه‌بست را داراست که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- در انتخاب میزبان زیاد گزینشی عمل نمی‌کنند و می‌توانند واژه‌های میزبان را با نقش‌های دستوری و نحوی متفاوت انتخاب کنند؛ مثال‌های:

۷۱- /hesen=e/ (او حسن است) (اسم+واژه‌بست رابط).

۷۲- /caγ=e/ (او چاق است) (صفت+واژه‌بست رابط).

۷۳- /ri divar=om/ (روی دیوار هستم) (گروه اضافه+واژه‌بست رابط).

ب- تکواژهای اشاره‌شده فاقد تکیه هستند، آنچه که آیخن‌والد در معیار (۵) به‌عنوان نشانه‌ی واژه‌بست از آن یاد کرده است.

ج- به هنگامی که تکواژهای مذکور برپایه‌ای می‌چسبند، امکان افزوده‌شدن «وندهای تصریفی» به آنها وجود ندارد که این ویژگی واژه‌بست‌هاست و آیخن‌والد در پارامتر (۱۰) به آن اشاره کرده است. مانند: *معلمی‌ها.

د- به هنگامی که تکواژهای اشاره‌شده به میزبان خود متصل می‌شوند، معانی آنها قابل پیش‌بینی است و این یکی از ویژگی‌های واژه‌بست‌هاست که آیخن‌والد در پارامتر (۱۳) به آن اشاره کرده است. همان‌گونه که پیش از این شرح آن رفت، تکواژهای مورد بحث از صورت‌های کامل خود (است، هست) مخفف نشده‌اند، بلکه معادل آنها هستند. از این‌رو، به‌عنوان واژه‌بست‌های ویژه قلمداد می‌شوند.

۴-۲-۷- «-a/ مخفف «ها تأکید»

یکی دیگر از واژه‌بست‌های گویش تنگسنانی «-a/ مخفف «ها» است که برای تأکید در گفتار گویشوران یافت می‌شود. این تکواژ به پایه‌ای از مقولۀ فعل یا کل گروه فعلی متصل می‌شود؛ مانند: رفتما /raft=om=a/ (رفتم؛ با حالت تأکید)، خردوما /xard=om=a/ (خوردم با حالت تأکید)؛ گشنیمینا /gošnjemen=a/ (گرسنه ام با حالت تأکید). تکواژ «-a/ در بسیاری جهات شبیه واژه‌بست‌هاست؛ چراکه، به انتهای فعل یا گروه فعلی اضافه می‌شود و از این منظر، معیار (۱) آیخن‌والد را تداعی می‌کند، هیچ‌گاه تکیه‌بر نیست که پارامتر (۵) آیخن‌والد را به ذهن متبادر می‌کند، می‌تواند به پایه‌ای که قبلاً دارای واژه‌بست بوده است، نیز

اضافه شود؛ مانند خردوما /xardom=a/ (خوردم با حالت تأکید)، آنچه که آبخن‌والد در پارامتر (۸) به‌عنوان یکی از علامت‌های واژه‌بست مطرح می‌کند. همچنین نمی‌تواند به‌تنهایی به‌عنوان واحد واژه واجی در نظر گرفته شود، بلکه تکواژی است که مربوط به طبقات نقشی و غیرواژگانی است که بر واژه میزبان قبل از خود به‌کار می‌رود و آبخن‌والد در معیار شماره (۴)، این ویژگی را از خصوصیات واژه‌بست‌ها می‌داند.

به‌رغم شباهت‌های بسیار تکواژ مورد بحث، با واژه‌بست‌ها، برخی از ویژگی‌های آن، خلاف این واقعیت را نشان می‌دهد؛ مثلاً یکی از خصوصیات واژه‌بست‌ها این است که قادرند میزبانان مختلفی با طبقات مختلف صورت‌های زبانی گزینش کنند، اما تکواژ مورد نظر نمی‌تواند میزبان‌های مختلفی انتخاب کند و صرفاً به پایه فعلی یا گروه فعلی افزوده می‌شود.

با توجه به اینکه تکواژ «a/» بسیاری از خصوصیات واژه‌بست‌ها را داراست، این جستار، آن را در ردیف واژه‌بست‌ها قلمداد کرده است و چون مخفف صورت کامل‌شده «ها» بوده است، یک واژه‌بست ساده محسوب می‌شود که در حوزه نفوذ گروه فعلی است و به‌لحاظ سمت و سوی اتصال آن، یک پی‌بست است.

۵- نتیجه‌گیری

بر پایه داده‌های پژوهش حاضر، یعنی بررسی بیش از هفتاد واژه در گویش تنگستانی، می‌توان ادعا کرد که به واحدهایی برخورد کردیم که از بعضی جهات به واژه و از جهاتی دیگر به وندهای وابسته شباهت دارند که زبان‌شناسان آنها را واژه‌بست نامیده‌اند. با آزمون واژه‌های پیش‌گفته با معیارهای آبخن‌والد (۲۰۰۳)، و دیگر زبان‌شناسان، تعداد ۸ واژه‌بست در گویش تنگستانی شناسایی شد که عبارت‌اند از: پی‌بست‌های ضمیری، کسره اضافه، یای نکره، یای تخصیص نکره، پی‌بست معرفه‌ساز یعنی /u/، /ku/، /oku/، /o/ مخفف «ؤ» همپایگی، /a/ مخفف «ها» تأکید، و /am, -i, .../ معادل «هستم، هستی و...». واژه‌بست‌های ذکرشده به‌لحاظ جهت اتصال، همگی پی‌بست و به‌لحاظ ساختاری، دو پی‌بست ساده و شش پی‌بست ویژه هستند. نکته دیگر اینکه، با توجه به ارگتیوی بودن گویش تنگستانی، پی‌بست‌های ضمیری آن، در قالب واحدهای نحوی با کارکردهای مختلفی چون فاعل، مفعول صریح، مفعول غیرصریح و ملکی ظاهر می‌شوند.

دربارهٔ واژه‌بست‌های غیرضمیری نیز به این نتیجه دست یافتیم که به‌رغم شباهت‌های بسیار آنها به واژه‌بست‌ها، برخی از ویژگی‌های آنها خلاف آن را نشان می‌دهد؛ که البته با توجه به اینکه بیشتر پارامترهای واژه‌بست‌ها را دارا بودند، این جستار، آنها را در زمرهٔ واژه‌بست‌ها قرار داد.

منابع

- حاجیان، فرخ (۱۳۸۷). «توصیف دستگاه واجی گویش تنگستانی». *گویش‌شناسی*. ش ۷، ۹۲-۱۰۶.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). «واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، س ۲، ش ۲، ۷۵-۸۵.
- شریفی، شهلا (۱۳۹۰). «برخی نکات ساخت‌واژی در مورد واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کاخکی»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. دانشگاه فردوسی. ش ۵، ۱۶-۱.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۴). «واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟»، *مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۵۷-۱۴۱.
- غلامیان، رضا (۱۳۹۳). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ شهرستان تنگستان، بوشهر، معاونت برنامه ریزی استان بوشهر*.
- واحدی‌لنگرودی، محمدمهدی و شیرین ممسنی (۱۳۸۴). «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری». *گویش‌شناسی*. ش ۳، ۸۱-۶۴.
- Aikhenvald, A. (2003). "Typological Parameters for the Study of Clitics, with Special Reference to Tariana". *Word: A Cross-Linguistic Typology*. R. N. W. Dixon & A. Aikhenvald. (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, 42-78.
- Klavans, J. L. (1982). *Some problems in a theory of clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.
- Klavans, J. L. (1985). "The independence of syntax and phonology in clitization". *Language*, 61: 95-120.
- Wakernagel, J. (1892). "Uber ein Gesetz der Indogermanischen Wortstellung". *Indogermanische Forschungen*, 1: 333-436.
- Zwicky, A. (1977). *On clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.
- Zwicky, A. (1985). "Clitics and Particles". *Language*, 61: 283- 305.
- Zwicky, A. and G. Pullum (1983). "Cliticisation vs. Inflection: English n't", *Language*, 59: 502- 513.